

ما بر این باوریم زنان نبض جامعه اند
گاهنامه تخصصی زن و خانواده
انجمن اسلامی علوم پزشکی هرمزگان
شماره ۲۲ - تابستان ۱۴۰۲



عز انامه محرم و صفر
«علم بر زمین نهی ماند»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ایام سوگواری رحلت حضرت رسول صلوات الله علیه وآله و شهادت امام حسن و امام رضا علیهم السلام را تسلیت عرض می نمایم

فهرست

۳	ما نسل به نسل در پناهت هستیم
۴	بنویسید اسیر، بخوانید امیر
۷	کربلا در کربلا می ماند
۱۰	روایت دیدار آفتاب
۱۱	به قسمت زنانه یک هیئت عمومی خوش آمدید!
۱۷	این جا کجاست؟
۱۸	این زنان انسان ساز هستند
۲۱	مرثیه موروث
۲۵	هم قدم با زینب
۲۷	تربیت یافتگان سیره نبوی



عزنامه محرم و صفر

«علم بر زمین نهی ماند»

ما بر این باوریم زنان نبض جامعه اند

نبض اولین و تنها نشریه تخصصی حوزه زنان و

خانواده دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

صاحب امتیاز:

فاطمه جاویدپور

مدیرمسئول:

نرجس عباسیان

سردبیر:

زهرا مهربخش

هیئت تحریریه:

زهرا مهربخش، امیرمهدی خاکی نهادروشی،

فاطمه بقائی پوری، نرگس بهمنی، فاطمه

جاویدپور، محمدرضا سلطانی، مطهره

حسینی نژاد، ام البنین شریفی، نرجس عباسیان

ویراستار:

فاطمه جاویدپور

طراح و صفحه آرا:

زهرا صابری

انتشار تابستان ۱۴۰۲

راه های ارتباطی

[nabz_hums](https://www.nabz_hums.com) [nabz_hums](https://www.nabz_hums.com)



ما نسل به نسل در پناهت هستیم

سخن سردبیر

زهرا مهربخش

بیولوژی و کنترل ناقلین بیماری‌ها

غم‌خواری عزیزان خود ذره‌ذره آب می‌شدند و صبر را انگشت به دهان می‌کردند و آنجا که لازم بود محکم و استوار در میدان‌های تبیین حاضر می‌شدند و صلابت مردان را تعقیب می‌کردند. زنانی که صفحه‌ای را در دفتر تاریخ به یادگار گذاشتند که هیچ طوفانی قادر به پاک کردن و از بین بردن آن نیست...

با کمی جست‌وجو در منش این بزرگ‌زنان غیور، می‌توان به راحتی خط بطلانی بر این ادعا که زنان مسلمان هیچ نقشی در مسائل سیاسی و اجتماعی زمان نداشته و ندارند و نخواهند داشت، کشید. این زنان بزرگ، از عزیزترین و ارجمندترین سرمایه‌های خود در راه عقیده و اندیشه‌های متعالی خویش گذشتند و الگوی بزرگی از صبر و مقاومت در برابر مصائب و مشکلات شدند.

منش و راه آن‌ها پس از گذشت هزار و چهارصد سال نه قدیمی گشته و نه کمرنگ! هنوز هم می‌توان با نگاه کردن به گوشه‌ای از زندگی ایشان، اندکی زندگی خود را رنگ و بوی حسینی ببخشیم و با قدم نهادن در جای پای ایشان شور و شعور مکتب حسینی را در زندگی‌های خود نهادینه کنیم... چرا که هزار و چهارصد سال است که ما هنوز «نسل به نسل در پناهشان هستیم...»

این شماره نبض پیشکش به تمامی زنان عاشورایی؛ از اولین آن‌ها که خانم زینب سلام‌الله‌علیها باشند تا آخرین آن‌ها، مادران و همسران غیور شهیدایی که دنباله‌روی راه و روش ایشان هستند و فرزندان و همسران خود را زینب‌وار فدایی حق کردند.

باشد که ما نیز بتوانیم در برابر هجمه‌های دشمنان محکم و استوار در راه دفاع از ولایت ثابت قدم بایستیم و زینب‌گونه پای مکتب حسینی بمانیم.

حماسه عاشورا از بزرگ‌ترین حماسه‌های تاریخی شیعیان می‌باشد که نه تنها مردان حاضر در این حماسه، بلکه زنان و کودکان نیز الگوهایی بزرگ و تکرار نشدنی برای مردمان آن زمان و آیندگان می‌باشند.

آنگونه که شهید مطهری در کتاب حماسه حسینی می‌گوید: «تاریخ کربلا یک تاریخ و حادثه مذکر- مونث است. حادثه‌ای که مرد و زن هر دو در آن نقش دارند؛ ولی مرد در مدار خودش و زن در مدار خودش.»

قیام بزرگ اباعبدالله علیه‌السلام نقش بسزایی در حیات و رشد و گسترش اسلام داشت و بی‌تردید یکی از گروه‌های نقش‌آفرین در این نهضت، زنان بودند و اگر قیام عاشورا و نهضت امام حسین علیه‌السلام هنوز زنده و پویاست و در دل مردم ریشه دوانده است، سهم بزرگی از آن را مرهون زنان عاشورایی است که آموزگار غیرت و جوانمردی و ولایت‌مداری به فرزندان خود پیش از عاشورا، مشوق و هم‌دل و همراه همسران خود در زمان عاشورا و تبیین‌گر نهضت امام پس از عاشورا بودند و در این راه آنجا که لازم بود با لطافت و شفقت زنانه در کسوت پرستاری و

بنو پسید اسیر بخوانید امیر

← امیر مهدی خاکی نهاد روشی

پزشکی

این اقدام از نگاه امام علیه السلام، یک اقدام هدفمند بوده و در تکمیل هدف حرکت ایشان یعنی اصلاح امت رسول الله صلوات الله علیه وآله به حساب می آمده است. هدفمند بودن که از نگاه بسیاری از عوام، پیش از بروز آن پوشیده مانده بود. در نتیجه طبیعت است که بسیاری وقتی دست به تحلیل های ظاهر بینانه می زدند، نمی توانستند علت این عمل را درک کنند و سعی می کردند مثلا با نصیحت، امام را از این حرکت منصرف کنند. اما هنگامی که این افراد از امام می پرسیدند که چرا دست به این اقدام زده اند؛ امام علیه السلام به آن ها جوابی می دادند که ایشان را کفایت کند و این طور پاسخ می گفتند که جدشان رسول الله به ایشان فرمودند: «خدا خواسته است تو شهید باشی و رضای خدا در شهادت توست و خدا خواسته است این ها اسیر باشند.»

بر اساس این کلام، اسارت اهل بیت امام، مصلحت بوده و مصلحت الهی یقینا جهت دهنده ای درست

یکی از مسائلی که درباره حرکت سیدالشهدا علیه السلام مطرح بوده؛ این است که چرا ایشان در این سفر پرخطر اهل بیتش را همراه خود به دشت کربلا و دل حادثه برد؟ آن هم درحالی که خطر این سفر را همه پیش بینی می کردند و این خطر یک امر غیر قابل پیش بینی حتی برای افراد عادی نیز نبوده است چه رسد به امام معصوم، که دانا بر جمیع امور عالم می باشد. از نگاه ما معتقدان به عصمت این امام عظیم الشان، تمام کارهای ایشان از روز اول حساب شده بوده است و ایشان بی حساب و منطق و بدون دلیل کاری نکرده اند، یعنی نمی توانیم بگوییم که فلان قضیه اتفاقا و تصادفا رخ داده، بلکه همه این ها روی حساب بوده و این مطلب گذشته از اینکه از نظر قرائن تاریخی روشن است، از نظر منطق و روایات و براساس اعتقاد ما مبنی بر امامت حضرت سیدالشهدا نیز تایید می شود. اما اگر بخواهیم دیدگاه امام در انجام این عمل را دقیق تر بررسی کنیم،



به سمت کمال فرد و بشریت است.

همان‌طور که واضح و مشخص است؛ اهمیت حفظ و نگهداری یک نهضت و انقلاب اگر از انجام آن مهم‌تر نباشد، کم اهمیت‌تر از آن هم نیست. نقشی که در حرکت اصلاح‌گرانه امام حسین علیه‌السلام، بر دوش اسرای این جنگ، خاصه اهل‌بیت امام و در راس اهل‌بیت امام، حضرت زینب سلام‌الله‌علیها بود و در واقع تمامی این وظایف حائز اهمیت که بر دوش حضرت زینب سلام‌الله‌علیها و باقی اسیران نهاده شده بود، از بعد از ظهر عاشورا و پایان جنگ ظاهری، شروع به خودنمایی و تجلی می‌کند.

در همین شرایط است که حجت مسلم خدا، یادگار گذشتگان و امید آیندگان، امام زین‌العابدین علیه‌السلام نیز سخت مبتلا به بیماریست. تا آن‌جا که دشمن طبق دستور کلی پسر زیاد مبنی بر کشتن جمیع اولاد ذکور امام حسین علیه‌السلام، چند بار حمله کردند تا امام زین‌العابدین را بکشند، ولی بعد

خودشان این‌طور عنوان می‌کنند: انه لما به؛ یعنی این خودش دارد می‌میرد. اتفاقی که نشان می‌دهد که امام علیه‌السلام به چه میزان بیمار بوده‌اند؛ بیماری‌ای که صدا البته خود یک حکمت و مصلحت خدایی بوده تا که حضرت امام زین‌العابدین علیه‌السلام بدین وسیله در امان مانده و سلاله پاک و هدایتگر فاطمی حفظ شود. با وجود تمام این‌ها، امام با آن حال نیازی جدی به مراقبت و پرستاری دارد و یکی از مهم‌ترین کارهای حضرت زینب سلام‌الله‌علیها و چه بسا مهم‌ترین آنها، پرستاری و حفظ جان امام سجاد علیه‌السلام بوده است. که صدا البته حضرت زینب سلام‌الله‌علیها نیز خود بر این مهم واقف بوده و در راستای آن کوشیده است؛ به گونه‌ای که در مناقب گفته شده وقتی اسرا از جلوی قتلگاه عبور داده شده، قصد وداع با شهدا را داشتند؛ به این علت که این موضوع قلب نازنین امام را به درد می‌آورد و بر شدت بیماری این وجود مبارک می‌افزود، از آن دست

کشیدند. این وداع، در واقع وداع آخر اسرا با جسم پاک‌ترین و بلندمرتبه‌ترین شهدای تاریخ بود، وداعی که برای مکدر نشدن خاطر امام، برای حفظ جان و صلاح حجت حی خداوند بر روی زمین، از آن صرف‌نظر شد. این دست کشیدن و این برترینی ولی مسلم از خود در شرایط آزمایش، حرکت کمی نیست؛ این از خودگذشتگی را نباید کوچک و اندک دید. رسالت مهم دیگر حضرت زینب سلام‌الله‌علیها و جمیع اسرای کربلا، حفظ روایت حقیقی و ایستادن در برابر تحریف این حادثه عظیم است؛ در واقع اگر این عالمه غیر معلمه در کربلا نبود، نه تنها حرکت عظیم امام حسین علیه‌السلام دستخوش تحریف قرار می‌گرفت، بلکه به تبع آن اثری از اسلام ناب محمدی نیز باقی نمی‌ماند. دشمن گمان می‌کرد اسیر می‌برد، اما در حقیقت مبلغان پیام کربلا از دل همین اسرا سر بر می‌آورند، سخنرانی و خطبه‌خوانی‌های متعدد حضرت زینب سلام‌الله‌علیها، در مسیر کربلا به شام، بالاخص در میام مردم شهرهای کوفه و کاخ‌های حاکمان جور، آنچنان شورانگیز و کوبنده بود که ارکان حکومت اموی را به لرزه انداخت؛ سخنان پرشورش در تشریح اهداف انقلاب حسینی و بیان حقایق اندوه‌بار روز عاشورا، پرده از جنایات یزیدیان برداشت و روشنگری‌های آن حضرت، به شکل یک حرکت لازم در تکمیل قیام اباعبدالله علیه‌السلام، توانست تکان محکمی به جامعه صم و بکم آن زمان بدهد، به‌گونه‌ای جامعه سست‌عنصر زمان، که پیش از قیام در همراهی امام سستی تمام به خرج داده، به یکباره پس از شهادت امام و رشادت‌های زینبی، قیام‌های متعدد و پرشوری مثل قیام مختار، توایین و غیره را در فاصله زمانی اندک علیه جور اموی به خود می‌بیند.

به عنوان مثال به گواه تاریخ، راویان چنین نقل کرده‌اند که هنگامی که در یک موقعیت خاص، حضرت زینب با سنجش بستر مناسب خطبه‌ای می‌خواند، حتی در عین بیشترین غلغله‌ها، جمعیت مقهور این روایتگری می‌شد و حضرت زینب سلام‌الله‌علیها نیز در نهایت حفظ حیا و حریم، کنشگری حقیقی زنانه را به رخ می‌کشید. حالتی که از آن به هنگام توصیف شرایط حضرت زینب، با صفت خفیه، به معنای زن باحیا یاد شده است. چنین توصیفی در عین این اثرگذاری عظیم بسیار ارزشمند است. به این معنا که این بانوی معظمه نه تنها مثل یک زن بی حیا حرف نزده است و شانیت خود را به بهترین شکل حفظ نموده، بلکه آن خطابه را در نهایت عظمت ایراد کرده و آن حیای زنانه هم از او پیدا بوده است.

در شهر کوفه‌ای که بیست سال پیش امیرالمومنین علیه‌السلام، صاحب فصیح‌ترین کلام پس از خالق و کسی که در بین ابناء بشر ابلغ‌اللسان بودنش زبانزد است؛ خلیفه بوده و در حدود پنج سال خلافت خود خطابه‌های زیادی خوانده بود که هنوز در میان مردم چون ضرب‌المثل می‌چرخید؛ می‌گویند گویی سخن علی از دهان زینب خارج می‌شود و گویی که علی زنده شده و با دهان زینب سخن می‌گوید.

و همین خود به تنهایی برای نشان دادن عظمت خطبه‌های حضرت زینب کفایت می‌کند.

با تمام این مواصفات، گرچه حضرت زینب سلام‌الله‌علیها اندکی بیشتر پس از واقعه جانسوز کربلا زندگی نکرد، ولی در همین مدت اندک، کنگره‌های کاخ ستم را درهم شکست و پیام نهضت امام حسین علیه‌السلام را به گونه‌ای تحریف نشدنی و با نقشی پررنگ و جدانشدنی، تا ابد ماندگار کرد.

کریبند در کریبند می ماند...

◀ فاطمه بقائی پوری

پزشکی

● اولین تجربه نویسندگی

انجام تکلیف و یار امام بودن. پس از شهادت سیدالشهدا علیه‌السلام، بار سنگین ولایت بر دوش امام سجاد علیه‌السلام قرار گرفت. حضرت زینب سلام‌الله‌علیها همچون پرستاری دلسوز از امام سجاد علیه‌السلام مراقبت می‌کردند و با تمام وجود خود از ولایت حمایت کردند. بعد از واقعه عاشورا و اسارت جانسوز زنان و دختران بنی هاشم، زینب سلام‌الله‌علیها، دختر صبور و رشیده فاطمه سلام‌الله‌علیها، رهبری اسرا را برعهده گرفته و جلوه ویژه‌ای از حضور فعال خود در واقعه کربلا را به نمایش گذاشتند. ایشان برای حفاظت از اسرا بسیار تلاش کردند چراکه تمام آن‌ها چون مروارید گرانبهای بودند که به دست ایشان به امانت سپرده شده بودند. با وجود غم شهادت برادر و فرزند و برادرزاده، این بانوی فاضله روحیه مقاومت خویش را از دست نداده و با صبر و بردباری باقی اسرا را هم دلداری می‌دادند و به حلم و شکیبایی دعوت می‌کردند. دانای بی‌آموزگار واقعه کربلا پس از حضور در شام و در مجلس پلیدترین آدمیان که لعنت خدا بر آن‌ها باد خطبه‌ای خواندند فصیح و کوبنده در بیان مقام والای شهدای کربلا و کفر یزید. این خطبه، غرور یزید را درهم‌شکست

همیشه شنیده‌ایم که می‌گویند پسر کو ندارد نشان از پدر؛ اما حالا می‌خواهم از زنی بگویم که در غیرت و شهامت و شجاعت و رهبری هیچ کم از پدر نداشت، از دختر حیدر کرار، دختر آن خیبرشکن، می‌خواهم از دختر امیرالمومنین بگویم.

حضرت زینب سلام‌الله‌علیها، این بانوی صبور، مثال برجسته‌ای از پیروی و اطاعت از امام زمان هستند. ایشان نشان دادند پیروی از امام زمان تنها داشتن باور قلبی به برحق بودن امامت ایشان نیست بلکه در راه پیروی و اطاعت از امام باید از جان و مال و عزیزان خود گذشت. تبعیت از ولایت چنان در ایشان برجسته بود که همراهی امام حسین علیه‌السلام را جزء شروط عقد خود قرار دادند. حضرت زینب سلام‌الله‌علیها، این بانوی متعهد به اصول اسلامی، با اطاعت از امام زمان خویش در شرایط دشوار زمانی و مکانی، الگوی هر مرد و زن مسلمان از گذشته تا به امروز در بحث ولایت‌مداری و ولایت‌پذیری شدند. روحیه انقلابی و شجاعت و بصیرت ایشان باعث شد به بهترین شکل یاور امام زمان خود باشند و صدای امام در واقعه عاشورا برای رساندن پیام «هیئات منا الذله» شوند و چه زیباست این

و چنان تاثیر شگرفی در حاضران جمع ایجاد کرد که مجلس یزید ملعون را به نفع اهل بیت علیهم السلام تغییر داد. شجاعت حضرت زینب سلام الله علیها در بیان این خطبه چنان بود که گویی امیرالمومنین علیه السلام حاضر شده و سخن می گفتند. خطابه و سخنرانی های ایشان منحصر به مجلس یزید نبود. حضرت زینب سلام الله علیها به محض ورود به کوفه در آن جو پر از ظلم و خفقان، با انتخاب بهترین فرصت ها و با زیباترین کلمات بر مسند خطابه ایستادند. ابتدا خود را معرفی کردند و بعد مردم کوفه را بر کار زشتی که مرتکب شده بودند ملامت نموده و آن ها را سست عنصر نامیدند. سخنان حضرت کاملاً صحنه را تغییر داد و مردمانی را که برای تماشای اسرا آمده بودند به گریه واداشت. سخنان حضرت زینب و همچنین سخنان امام سجاد علیهم السلام چنان فشاری بر یزید از سوی مردم وارد کرد که مجبور شد برای کاهش فشار افکار عمومی به بانو زینب سلام الله علیها و زنان بنی هاشم اجازه عزاداری برای امام و شهدا را بدهد.

اقدامات حضرت زینب سلام الله علیها جهت برپایی مراسم عزاداری، آگاهانه و بیدارکننده بود. ایشان می خواستند با ناله های جانسوز، عواطف و احساسات مردم را تحریک نمایند و آنان را ناخودآگاه به قیام علیه استبداد و یزیدیان تشویق کنند. در نهایت هفت روز مراسم عزا و حضور زنان شامی در این مراسم ها کم کم چشم دل کور مردم شام را بینا کرد تا جایی که نزدیک بود به قصر یزید حمله ور شوند و او را بکشند. یزید که جان خود را در خطر می دید دستور به تعطیلی مراسم داد و در نهایت پسر مرجانه بدکاره را برای نجات جان خود، متهم واقعه کربلا و عامل شهادت امام معرفی کرد. از جمله





کارهای حضرت زینب سلام‌الله‌علیها که در نظر دشمنان ساده بود ولی از عوامل زمینه‌ساز قیام علیه قاتلان سیدالشهدا بود سیاه‌پوشی و سیاه‌پوش نمودن محمل‌ها بود. این دستور عقیده بنی‌هاشم به این علت بود تا مردمان همه بدانند که آن‌ها در مصیبت و عزاداری برای کشته شدن فرزندان زهرا سلام‌الله‌علیها هستند. یکی دیگر از عوامل موفقیت حضرت زینب سلام‌الله‌علیها در رساندن پیام امام حسین علیه‌السلام به جهانیان، تبلیغ با عمل بوده است. ایشان همواره تلاش می‌کردند که به وظایف الهی خود عمل کنند و در رعایت حلال و حرام الهی، هیچ‌گونه سهل‌انگاری نمی‌کردند و از هیچ وظیفه شرعی فروگذار نمی‌کردند. یکی از این موارد عملی تبلیغ، حفظ حجاب است. ایشان نه تنها در حالت عادی، بلکه در بحرانی‌ترین لحظات زندگی نیز اهتمام زیادی در حفظ خود از انظار و دیده‌های مردم داشتند. از دیگر شیوه‌های تبلیغی آن حضرت می‌توان به دعا و عبادت اشاره کرد. ایشان همواره می‌دانستند که دشمنان در انتظارند تا کوچک‌ترین واکنش یا کلامی را جستجو کنند

تا به‌عنوان نشانه‌ای از ضعف خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله استفاده کنند و از این‌رو ایشان برای این که دشمنان را مایوس کنند، در روز یازدهم وقتی که در کنار جسد برادر آمدند، توقف نموده و با خلوصی خاص متوجه خدا گردیده و فرمودند: «اللهم تقبل منا هذا القلیل القربان»

حضرت زینب سلام‌الله‌علیها با رعایت همه این اصول، تکلیف الهی خود یعنی تبلیغ و روشنگری را به‌جا آوردند و مهم‌ترین عامل پیروزی خون بر شمشیر شدند و نشان دادند که زن در حاشیه تاریخ نیست؛ بلکه در متن حوادث مهم تاریخی قرار دارد. در پایان باید اشاره کرد که کربلا یک مکتب است. تک‌تک روزهای واقعه کربلا و وقایع پس از آن و همین‌طور تک‌تک یاران امام و همسران و فرزندان‌شان همگی دنیایی از علم و معرفت هستند که باید برای زندگی بهتر در این دنیا و پر کردن دست‌های خالی‌مان برای ساختن دنیای حقیقی به آن‌ها مراجعه کنیم. باشد که ما هم همچون حضرت زینب سلام‌الله‌علیها در یاری از امام عصر خود پیروز و سربلند باشیم.

روایت دیدار آفتاب

«دیدار آفتاب» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی «زهرا رحیمی» و اجرای «مژده لواسانی» در ایام اربعین سال ۱۴۰۱ هرشب به طور زنده از کربلای معلی از شبکه نسیم پخش می‌شده است.

ارتباط حسی و عاطفی با امام حسین علیه‌السلام و واقعه کربلا، وجه مشترک تمام دلدادگانی است که از کودکی با مکتب امام حسین علیه‌السلام به واسطه فرهنگ و تربیت حسینی و عاشورایی موجود جامعه ما، رشد کرده و زیست داشته‌اند. دیدار آفتاب اولین روایتگر قصه‌های عاشقانه خادمی بانوان برای ابا عبدالله‌الحسین علیه‌السلام در ایران و کربلاست... این برنامه میزبان زنان عاشورایی است و حماسه و مکتب حسینی را از زبان و با نگاه زنان روایت می‌کند و به نقش زنان در نهضت عاشورا که بسیار پررنگ و تاثیرگذار بوده و استمرار و امتداد این حضور در جامعه امروز می‌پردازد. مهمان‌های برنامه بانوانی هستند که خود را درس‌آموخته مکتب حضرت زینب سلام‌الله‌علیها می‌دانند و هرکدام به طریقی در مسیر عاشقی اهل‌بیت علیهم‌السلام قرار گرفته‌اند. این برنامه گفتگو محور، آیتم‌هایی را به فراخور موضوع از مسیر پیاده‌روی اربعین و محتوای نزدیک به موضوع مثل شهدای راه سلامت در ایام کرونا از میان پرستاران و کادر درمان به تصویر کشیده است. اهمیت این برنامه از این حیث است که تمام

عوامل آن از بانوان بوده‌اند و از این منظر نگاهی نو در آن در جریان بوده و برخلاف بسیاری از برنامه‌های گذشته که نگاهی مردانه حتی در انتخاب و دعوت میهمان داشته‌اند تازگی دارد. به طور کلی در اکثر برنامه‌هایی که در حوزه زنان ساخته شده، به محوریت نقش زنان در خانواده پرداخته شده است اما تفاوت برنامه دیدار آفتاب این است که قصه و روایت زنان نهضت عاشورا نظیر حضرت زینب سلام‌الله‌علیها را به طور خاص روایت می‌کند. در حقیقت استمرار صفات زنان عاشورایی در زنان جامعه امروز در این برنامه دنبال می‌شود، زیرا هرکدام از بانوان در صحنه عاشورا حامل پیام‌هایی برای زنان عصر ما و تمام طول تاریخ بوده‌اند. خلأ حضور چنین برنامه‌هایی در رسانه ملی که هم از بعد فرآیند تولید نگاهی تازه به همکاری با زنان داشته باشند و هم به الگوسازی چهره‌های برجسته برای زنان بپردازند به وضوح دیده می‌شود. کم‌اینکه در شلوغی‌های سال گذشته خلأ نبود الگوهای درست برای دختران جوان هویدا بود. تولید و پخش چنین برنامه‌هایی باعث می‌شود مخاطب - که یک دختر، همسر یا مادر است - خود را از این مسیر جدا نبیند و بداند که با برداشتن حتی یک قدم نیز می‌تواند در مسیر عاشقی اهل بیت علیهم‌السلام قرار بگیرد و جزء راپیان این قصه باشد. از آنجایی که رسانه ملی می‌تواند از تاثیرگذارترین ابزارهای ساخت فرهنگ باشد، شایسته است تولید این چنین برنامه‌ها استمرار داشته باشد هرچند باید تلاش شود که قدمی جلوتر نهاده و از نگاه صرفاً عاطفی و احساسی، به ارادت از سر معرفت و شناخت که موجب رشد و کمال جنبه‌های عمیق‌تر و ابعاد روحانی‌تر وجودمان می‌گردد، برسیم. گرچه ارتباط احساسی و عاطفی نیز موجبات شناخت را فراهم می‌آورند و از باب مقدمه، ضرورت دارند.



به قسمت زنانه یک هیئت عمومی خوش آمدید!

نرگس بهمنی

پریشکی

برسید.

چشمان خود را باز کنید.

به هیئت زنانه خوش آمدید! شاید هم بهتر باشد بگوییم: «به قسمت زنانه یک هیئت عمومی خوش آمدید!»

یک بار دیگر برگردید و این مقدمه را بخوانید، آیا در توصیف اولیه، هیچ اشاره‌ای به جنسیت افراد حاضر در این هیئت شده بود؟ پس چرا این توصیف بی‌شک و تردید فضای قسمت زنانه یک هیئت را برای شما ترسیم کرد؟ چون پیرمردها روزه نمی‌آیند؟ یا چون داشتن فرزند شیرخواره، مخصوص زنان است؟ شاید هم پاسخ، هیچکدام از این‌ها نباشد!

با پشت سر گذاشتن یک محرم پرشور دیگر و تکرار بسیاری از این وقایع در هیئات مذهبی، تصمیم گرفتیم بار دیگر مشکلات زنان در این هیئات را بازبینی کنیم. در این متن، به برخی مشکلات مهم‌تر به تفکیک اشاره خواهد شد. (۱) **جای خالی زنان در سیاست‌گذاری هیئات:**

شاید بتوان گفت که یکی از مهم‌ترین دلایل

چشم‌های خود را ببندید و هیئتی را تصور کنید که سیستم‌های خنک‌کننده کفای فضا و جمعیت را نمی‌دهند یا چون فضای کافی برای جمعیت عزادار اختصاص داده نشده، مجبور هستید به حیاط مسجد یا حسینیه بروید و روی زمین داغ بنشینید، صدای بلندگوها دائم قطع و وصل می‌شوند و باید جمله‌های سخنران را خودتان یکی‌درمیان حدس بزنید و البته حتی اگر بلندگو هم برای بعضی قسمت‌های سخنرانی بازی درنیاورد، بخاطر سروصدای بچه‌های اطرافتان نتوانید متوجه جملات شوید. از آن طرف فرد مسنی کنارتان است که بخاطر نبود صندلی مجبور شده روی زمین بنشیند و از پادرد و زانودرد ناله می‌کند. سمت دیگرتان هم فردی نشسته که دقیقه‌ای با فرزند ۵:۴ ساله خود در کشمکش و گفتگوست و دقیقه‌ای دیگر فرزند شیرخوار در آغوشش را با تکه‌ای کاغذ باد می‌زند. احتمالاً از شدت گرما مجبور هستید زودتر مراسم را ترک کنید و حالا آنچه پیش روی شماست، کوهی از کفش است که باید یک‌به‌یک کنار زده شوند تا به کفش منظور



مشکلات را به آقایان منتقل کنند و منتظر بمانند که آیا این مشکلات مرتفع می‌شوند یا خیر. البته کاملاً طبیعی است که آقایان درک کمتری نسبت به مصائب و مشکلاتی که خانم‌ها در هیئات با آن مواجه هستند داشته باشند و بعضاً اهمال کاری‌هایی هم از جانب آنان صورت بگیرد. پس در این جا واجب است که خانم‌ها خود وارد میدان بشوند و برای خود کاری بکنند. درست است که در بعضی موارد دلیل عدم حضور خانم‌ها در تصمیم‌گیری‌های کلان، مخالفت بعضی آقایان با این موضوع بوده است اما اگر منصفانه به قضیه نگاه کنیم؛ خود خانم‌ها هم در مواردی کوتاهی کرده‌اند و باید این را پذیرفت. این قبیل آگاهی‌بخشی‌ها کمک شایانی به بهبود اوضاع می‌کند.

(۲) عدم تطابق یا تطابق جزئی برنامه‌های محتوایی هیئات با هویت زنانه:

بعد از گذر از بحران‌های جنبش زن، زندگی،

همه مشکلات گفته‌شده و موارد بیشتری که همه ما به عینه شاهد آن بوده‌ایم؛ جای خالی زنان در سیاست‌گذاری هیئات و اعمال سلیقه تماماً مردانه در مدیریت هیئات حتی قسمت زنانه است. گرچه همیشه خانم‌هایی را به عنوان خادم در قسمت زنانه می‌بینیم که در حال تلاش برای آرام کردن فضا یا پذیرایی و خدمت به عزاداران هستند اما خلأ وجود خانم‌هایی که از مسئولین و برنامه‌ریزان اصلی و عضو هیئت مدیره هیئت باشند و در سیاست‌گذاری‌های کلان هیئت شرکت داده بشوند به وضوح دیده می‌شود. وجود زنانی با چنین مسئولیتی تأثیرگذاری بسیار بیشتری برای رفع مشکلات خواهد داشت. قطعاً حضور یک یا چند خانم در کنار آقایان در اعضای اصلی سیاست‌گذار هیئت، که خود مشکلات خانم‌ها را از نزدیک دیده و آنها را لمس کرده‌اند، موثرتر خواهد بود تا اینکه خانم‌ها صرفاً به عنوان واسطه،



هنوز در بعضی کلیشه‌های سنتی خود مانده‌اند و نتوانسته‌اند با حفظ اصالت مذهبی و دینی خود، رنگ و رویی نوین و معاصر به خود بگیرند که همین شاید یکی از اصلی‌ترین دلایل عدم موفقیت هیئات در جذب جوانان امروزی است. شاید بتوان گفت اصلی‌ترین بخش مجالس عزاداری، مربوط به سخنرانی است که بخش زیادی از مسئولیت جهاد تبیین انجام‌شده در هیئت مربوط به این قسمت و بر دوش سخنران مربوط است.

بهتر است در مواقعی که هیئت هم میزبان مردان و هم میزبان زنان است، از سخنران مجلس خواسته شود که علاوه بر صحبت راجع به پهلوانی‌ها و رشادت‌های قهرمانان مرد حماسه عاشورا، از فداکاری‌ها و شهامت‌های شخصیت‌های قهرمان زن که کم هم نبوده‌اند، صحبت کند. زنان شجاعی که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم در صحرای کربلا، تاثیرگذار

آزادی در پاییز سال گذشته، بدون شک این تلنگر به همه ما وارد شد که نقش اجتماعی زنان در جامعه از چه میزان اهمیت و حساسیتی برخوردار است تا آن‌جا که دشمنان هم بعد از ناکامی در جنگ نظامی، سیاسی و اقتصادی به جنگ نرم و شناختی روی آوردند؛ آن هم با استفاده از عنصر زن و ترسیم کردن یک چهره بدبخت و سیاه‌نمایی‌شده از زن ایرانی. طبق گفته مقام معظم رهبری، «جهاد تبیین» مهم‌ترین عرصه جهاد در این میدان تاخت‌وتاز ترکش‌های روانی است که به خصوص جنس زن را به‌عنوان ستون خانواده مورد هدف قرار داده است. هیئت، یکی از محافلی است که از آن می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین سنگرها برای تقویت معنویت و شست‌وشوی روح جوانان بهره برد و مهم‌ترین دلیل آن این است که در هیئت، مردم به‌خصوص زنان دور هم جمع می‌شوند و یدالله مع الجماعة... متأسفانه اکثر هیئات

بوده‌اند. از دیدگاه روانشناسی و روانکاوی، بدون شک یکی از دلایل بحران هویتی در زنان جامعه مدرن، نبود الگوها و قهرمانان زن است تا جایی که دخترها از همان دوران کودکی این خلأ را با قهرمان‌های مردی که رسانه‌ها به خورد آن‌ها می‌دهند؛ پر می‌کنند و نمود آن در بزرگسالی، چیزی جز آشفتگی و عدم انطباق فطرت زنانه و اهداف دختران جوان نیست. البته که مردان ظهر عاشورا به هیچ عنوان با مردان هالیوودی قابل مقایسه نیستند اما شایسته است سخنرانان مجالس مذهبی بیش از پیش به این مسئله مهم اهتمام بورزند و تلاش حداکثری خود را به کار گیرند تا دختران این سرزمین با بانوان بزرگی مثل ماریه بنت سعد، دلهم، ام‌وهب و... آشنا بشوند؛ زنانی که متاسفانه خیلی از ما حتی یک بار هم اسم آن‌ها را نشنیده‌ایم. آشنایی با این شیرزنان باعث می‌شود که دختران به این درک برسند که قهرمان بودن فقط در هیبت مردانه گنجانده نشده و در تاریخ بوده‌اند زنانی که نمایش قهرمانی را حتی زیباتر از مردها به اجرا درآورده‌اند و فقط نوع آن متفاوت بوده است و ما زن‌ها هم می‌توانیم به نوع خود قهرمان باشیم ولی نه به سبک و سیاق مردها. نقد دیگری که می‌توان به سخنرانی‌های محرم امسال وارد کرد این است که با توجه به شرایط پاییز پیش‌رو و جنگ فرهنگی که هنوز هم در جریان است؛ انتظار می‌رفت که سخنران‌ها بیشتر راجع به مسائل زن، خانواده، حجاب و تهاجمات فرهنگی صحبت بکنند کمالینکه عاشورا خود از ابتدا تا انتها منبعی غنی و پر نکته برای طرح چنین سخنانی است ولی متاسفانه این موضوع نیز به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفت.

۳) عدم استفاده از پتانسیل سخنرانان خانم در مجالس کاملاً زنانه:

از طرفی دیگر، عدم استفاده از سخنران‌های

خانم در مجالس کاملاً زنانه هیئات نیز یکی از مسائل قابل تامل است. در اکثر موارد دیده می‌شود که در این مجالس که همه افراد حاضر خانم هستند هم از سخنران و مداح آقا استفاده می‌شود که این هم اشکال دیگری است؛ چراکه استفاده از سخنران‌های مجرب و توانمند خانم، صمیمیت محیط را بالا برده و همین‌طور فرصتی پیش می‌آید که به طور اختصاصی‌تر، وسیع‌تر و جزئی‌تر راجع به مسائل زنان صحبت بشود و همین‌طور در صورت نیاز، تبادل نظر صورت بگیرد تا همان‌طور که در هیئت‌های عادی، آقایان با سخنران ارتباط مستقیم دارند؛ این فرصت در اختیار خانم‌ها هم قرار بگیرد. اما متاسفانه نه تنها چنین فرصتی از خانم‌ها دریغ می‌شود بلکه به خاطر قطع و وصل شدن مکرر سیستم پروژکتور و بلندگوها از همان سخنرانی از راه دور هم محروم می‌شوند و از محتوای مراسم جا می‌مانند. این در حالی است که اغلب زنان توانایی سخنوری خوبی دارند و گواهی‌بیدی آن خطابه‌های خانم فاطمه زهرا و خانم زینب سلام‌الله‌علیهماست. با این حال هستند بعضی هیئاتی که زمان‌هایی را در طول دهه محرم به مراسمات کاملاً زنانه اختصاص می‌دهند و همه فضای فیزیکی هیئت تماماً به خانم‌ها تعلق می‌گیرد و همین‌طور در این مراسمات از سخنران و مداح زن استفاده می‌شود. این قبیل برنامه‌ها می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد به خصوص اگر هیئت برای رفع مشکلات قسمت خانم‌ها با موانع مالی و بودجه روبرو باشد.

۴) مشکلات مادران:

نبود اتاق کودک در هیئات نیز یکی از مشکلات مادران است تا جایی که برخی از مادرها نیز به دلیل عدم توانایی در کنترل فرزندانشان از رفتن به مراسم منصرف می‌شوند. اختصاص



معمولا تعداد خانم‌های شرکت‌کننده در مراسم مذهبی بیشتر است و کودکان نیز بیشتر در قسمت خانم‌ها هستند. با این وجود همیشه شاهد وسیع‌تر بودن قسمت اختصاص داده‌شده به آقایان هستیم.

نبود سیستم خنک‌کننده به میزان کافی، نبود صندلی برای خانم‌های مسن، اختصاص طبقه‌های بالاتر در ساختمان‌های چندطبقه که رفت‌وآمد را برای افراد مسن و کودکان سخت می‌کند، نبود جاکفشی، استفاده از بلندگوهای خراب و بعضا در اولویت دوم بودن از حیث پذیرایی از این قبیل مشکلات هستند.

۶) نبود میان‌دار در قسمت خانم‌ها:

اتفاقات رخ داده در جشن روز دختر امسال در تهران به خوبی نشان داد که دختران جوان ما بنا به احساسات جوانی، به دنبال شور مذهبی هستند. حال این شور می‌تواند شور عزا باشد یا شور

فضایی از هیئت برای کودکان و همین‌طور گماشتن یک یا چند مربی برای نگهداری و حتی آموزش آن‌ها می‌تواند هم به مادر و هم به رشد کودک در این مراسم‌ها کمک بکند و همین‌طور باعث شود که مراسم با نظم و آرامش بیشتری پیش برود. فلذا شایسته است از حضور و شرکت کودکان در مراسم، استقبال بیشتری شود و به شیوه‌های مختلف مانند تشکیل دسته خاص، دادن شال‌گردن یا نشان خاص دیگر، سپردن کارهای متناسب با سن آنان و... انگیزه حضورشان را تقویت می‌کند.

۵) مشکلات فیزیکی مکان اختصاص داده‌شده به خانم‌ها:

همان‌طور که در ابتدا هم گفته شد، از نظر فیزیکی نیز اشکالات زیادی به فضای هیئات وارد است. این فضا چه به لحاظ کیفی و چه به لحاظ کمی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد.



تربیت فرزندان دارند، نقشی حساس‌تر و ویژه‌تر از مردان جامعه دارند. به همین دلیل بیشتر از مردان هم به رشد معنوی نیاز دارند.» در روایاتی که برای پاداش عزاداران حسینی و خدمت به آن‌ها نقل شده اصلاً فرقی میان زن و مرد دیده نشده است. بلکه نفسِ خدمت به عزادار مطلوب است. در تاریخ هم نقل شده زمانی که وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام روضه سیدالشهدا علیه‌السلام برپا می‌کردند، ایشان پرده‌ای در محل عزاداری نصب می‌کردند تا خانم‌های مومن نیز در برنامه عزاداری شرکت کنند. فلذا مدیر هیئت در برنامه‌ریزی مراسمات دهه محرم، باید برای خانواده برنامه‌ریزی کند نه صرفاً آقایان. تشکیل هیئت خانوادگی (متشکل از پدر و مادر و فرزندان) هم در جلسه عزاداری و هم در آینده خانواده‌ها تاثیرگذار است. ناگفته نماند در مراسمات عزاداری حسینی امام خمینی تهران که با حضور رهبر انقلاب برگزار می‌شود، برای بانوان عزادار مکان مناسبی در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند الگوی خوبی برای دیگر هیئات باشد.

جشن و شادی. اگر چنین نیاز و خواسته‌ای به درستی پاسخ داده نشود، نتیجه می‌شود همان جشنِ پر از ایراد و اشکال. سینه‌زنی منظم و هماهنگ، در اغلب مجالس زنانه امری کاملاً محال است و چندین ریتم و صدای مختلف در هنگام سینه‌زنی در قسمت خانم‌ها شنیده می‌شود! علت آن نیز بدیها نبود میان‌دار است. این میان‌دار می‌تواند از زنان جوان یا میانسال باشد. اتفاقی که در محرم امسال در هیئت انتظار در بندرعباس رخ داد و رضایت دختران جوان و نوجوان را به دنبال داشت.

در پایان کلام باید گفت که حضور مادران به عنوان پرورش‌دهندگان روح کودکان و نسل‌های آینده در هیئات بسیار اهمیت دارد و نباید اجازه داده شود که جایگاه زن در این مجالس به انزوا کشیده شود که این هدف در ابتدا با آگاهی بخشیدن به خود زنان و سپس مطالبه‌گری از مسئولان میسر می‌شود. حجت‌الاسلام پناهیان در یکی از سخنرانی‌های خود تاکید می‌کرد: «زنان نیمی از جامعه نیستند؛ همه جامعه‌اند. زنان به دلیل تأثیر ویژه‌ای که در خانواده و



عزت سراسر است عزا خانه ما
ما عاقبت بخیر تو در روضه ما شدیم

مجلس عزای امام حسین بن جواد آئین
پیشین

این جا کجاست؟

محمد رضا سلطانی

پزشکی

این جا مهد کودک است، این جا مدرسه است، این جا دانشگاه است، این جا پادگان است، این جا خاکیز اول جبهه جنگ نرم است، این جا خیریه است، این جا مرکز مشاوره خانواده است، این جا قرارگاه جهاد تبیین خواستگاری است، این جا دارالشهدا است، این جا کربلا و کاظمین و سامراست، این جا زیر سایه چادر زهراست؛

این جا «روضه خانگی» است...

روضه خانگی از کهن ترین و با برکت ترین میراث های حسینی برای ماست؛ این میراث از خانه حضرت ام البنین سلام الله علیها تا خانه امام جعفر صادق علیه السلام و خانه های امروز ما ادامه دارد و روح بخش حیات معنوی خانواده است.

شاید روضه های خانگی را در حال حاضر بتوان مهم ترین عرصه کادرسازی و تربیت نیروی جوان برای هیئات بزرگ حسینی و به بیان دیگر برای انقلاب دانست. مهم ترین بستر کنشی یک مادر فاطمی و زینبی که قرار است از نوزادی و نونهالی به کودک خود «حسینی

زیستن» را بیاموزد. این جا مهم ترین آوردگاه برای یک بانوی انقلابی به جهت تبیین وضعیت کشور، تحلیل وضع جهان، محیطی برای بحث و گفتگو و برای اثرگذاری بر پیرامون. این جا راهبردی ترین فضای تنفس انسانی است که مشتاق حل گره های کور انسان های درمانده می باشد.

روضه های خانگی قلب های جامعه هستند که حیات حسینی را به درون رگ های جامعه پمپاژ می کنند. بهترین بستر کنش گری حسینی زنان؛ بستری متناسب با زنانگی و وظایف خاص جنس زن. روضه خانگی آن بستر لطیفی است که باید با لطافت خود، گره های کوری را باز کند که نه دستگاه و حکومت می توانند نه هیئت های مردانه. احیای روضه های خانگی و رشد آن ها، تشکیلات پر قدرت و زیر پوست جامعه ای از زنان انقلابی و حسینی که هوشمندانه کنش می کنند و هیچ قدرت نرم و سختی توان مبارزه با آنان را ندارد می سازد؛ از دامان پاک این تشکل های جهادگر خانگی، مردان مبارز و جهادی بر می خیزند؛ از تشکل خانگی فاطمه، تشکل جهانی مهدوی حیات می گیرد.

این زنان انسان ساز هستند

◀ مطهره حسینی نژاد

فناوری اطلاعات سلامت

بسیار پررنگ و حائز اهمیت است و مسیری را برای دیگر زنان به یادگار گذاشته است تا همچون آنان مروج فرهنگ و آموزه‌های عاشورایی باشند.

زنان مسلمان از بدو ظهور اسلام به خوبی نشان دادند که با برخورداری از معرفت و آگاهی والا همگام با مردان در جهت پیشبرد اهداف و تعالیم اسلام گام برمی‌دارند و آنچه از زن مسلمان به عنوان فردی به دور از مسائل سیاسی، اجتماعی و دینی نشان داده می‌شود کاملاً غیرواقعی و اغلب مغرضانه است.

عاشورا نمونه‌ای از تربیت مادرانی است که در راه اعتلای اسلام و دفاع از حق، فرزندان با شهامت پرورش داده بودند. البته راه آن‌ها همواره ادامه داشته که اگر چنین نبود، نبودند جوانانی که هشت سال برای پاسداشت خاک و دین و ارزش‌های خود از جان گذشتند؛ و این میسر نمی‌شد جز با تلاش مادرانی فرهیخته و

در تاریخ اسلام، عاشورا واقعه‌ای است بس عظیم که مفهوم عشق و محبت را به زیبایی ترسیم می‌کند. و سرشار از ارزش‌ها، احساس‌ها، عاطفه‌ها، خرده‌ها و اراده‌هاست. این روز که از دیرباز جلوه‌گر تقابل حق و باطل، فضائل و اذائل است، یادگارهایی بسیار ارزشمند را از خود به جا گذاشته تا مردمان پس از آن با استفاده از چنین فرهنگی غنی و ارزشمند بتوانند جوامعی سراسر نیکی و فضیلت بسازند. بی‌شک محتوا، انگیزه‌ها، اهداف و درس‌های آن حماسه عظیم، فرهنگی ناب و الهام‌بخش را تشکیل می‌دهد. عاشورا اگرچه یک روز بود اما دامنه تأثیرات آن سال‌ها و قرن‌ها را درنوردیده و به خوبی نشان داده که فراتر از زمان و مکان است.

حماسه عاشورا را مردان و زنانی رقم زدند که شهادت را بر زندگی ذلت‌بار ترجیح دادند تا معنای آزادی و ایستادگی در برابر ظلم و ستم را جاودانه کنند. در این حماسه عظیم نقش زنان



زن امروز نخست باید در تربیت فرزند صالح و متدین و حسینی بکوشد و سپس در تبلیغ معارف اسلام و فرهنگ عاشورایی تمام همت خود را به کار گیرد. در واقع این مادران، بزرگ‌ترین حماسه‌آفرینانند و با ابلاغ ارزش‌ها، فرزندان‌شان را شجاع و پویا در دامان خود می‌پرورانند؛ فرزندان‌شان را که حب حسین علیه‌السلام و شور و شعور حسینی را از دامان مادر خود به ارث برده‌اند. فرهنگ عاشورا می‌تواند در رشد فکری و فرهنگی جوانان تأثیر عمیق داشته باشد زیرا جوانان شیفته حقایق ناب و جوانمردی بوده

شهید پرور که امروزه نیز با تربیت فرزندان‌شان با آموزه‌های حسینی قدم در همان راه می‌نهند و جامعه را به سوی تعالی و رشد سوق می‌دهند. امروز، این زنان‌اند که باید با تربیت فرزندان‌شان با تعالیمی همچون صبر، استقامت، آزادگی و... مروج فرهنگ حسینی باشند. الگوی زنان جامعه ما، باید زنانی باشند که توانستند افرادی را تربیت کنند که امام زمان خود را در حساس‌ترین برهه همراهی کنند؛ اسلام در تمام زمان‌ها به چنین زنان غیوری احتیاج دارد و جامعه امروز ما از حساس‌ترین زمان‌هاست.



انک کنت فی الاصلاب الشامخه؛ یا زمانی که امام حسین علیه‌السلام سر حربن‌یزید را به دامن گرفت، حریت و آزادی او از بندِ هوا و هوس و حاکمیت بنی‌امیه را به پاکی مادرش نسبت داد.

امام انقلاب نیز با این سخن خود که «زن انسان‌ساز است» به خوبی نقش مادران را نه تنها در تداوم فرهنگ عاشورا، بلکه در پایداری دین اسلام بیان کرده.

در نهایت این زنان هستند که در محیط خانه با تربیت فرزندان متدین و معتقد و در جامعه با تبلیغ رسالت و اهداف امام حسین علیه‌السلام از قیام عاشورا، می‌توانند نقش موثری در ترویج و آشنایی افراد جامعه به ویژه جوانان با سبک و راه و روش امام حسین علیه‌السلام داشته باشند.

و تمام این حقایق به خوبی در قیام عاشورا تداعی شده‌اند. در طول تاریخ چه بسیار جوانانی بوده‌اند که در نتیجه تلاش‌های مادران حسینی خود با فرهنگ عاشورایی زیسته‌اند و جان خود را فدا کرده‌اند. در واقع این حماسه بزرگ اباعبدالله الحسین علیه‌السلام خط مشی و مسیری مشخص را برای همه افراد در تمامی روزگاران مشخص کرد تا افراد جویای حقیقت، به درستی راه را پیمایند و ارزش‌ها به‌گونه‌ای برجسته شود که مادران و زنان ما در تربیت فرزندان حسینی الگوهایی آشکار و تاثیرگذار داشته باشند.

قیام فراتر از توان و نگاه بشری امام شهیدان، به خوبی نشان داد برای تحویل فرزندان پاک باید خودِ مادر، دارای اعتلای فکری پاک و سالم باشد، چنانکه در زیارت وارث می‌خوانیم «اشهد



مرثیه شور و شوق

نگاهی به چند آیین مخصوص عزاداری زنان ایرانی؛

◀ ام البنین شریفی

فناوری اطلاعات سلامت

• اولین تجربه نویسندگی

چارچوب همیشگی عزاداری‌های زنانه آمده‌اند. در این متن به معرفی چند آیین عزاداری زنان در ماه محرم در شهرهای مختلف ایران خواهیم پرداخت.

«خرمشهر»:

هنگامی که مداح زن که به آن در زبان محلی «ملایه» می‌گویند، شروع به روضه‌خوانی می‌کند، زنان چهار زانو دور تا دور اتاق را پر می‌کنند و روسری‌های خود را جلوی چشمانشان می‌آورند. گاهی هم ملایه ریتم را تغییر می‌دهد و عزاداران باید با دست راست بر سینه بزنند و دست چپشان را بر پای چپ بکوبند. بعد از روضه‌خوانی نوبت سینه‌زنی می‌رسد و در این زمان دست‌ها را بر پاهایشان می‌زنند. یکی دیگر از سبک‌های سینه‌زنی زنان، سینه‌زنی ایستاده است؛ به این صورت که دست‌ها را به صورت ضربه‌در کرده و بر سینه می‌زنند و با ریتمی کند سینه‌زنی را ادامه می‌دهند تا جایی که برای لحظاتی این ریتم تندتر می‌شود و زنان با «احو احو» گفتن ملایه را همراهی می‌کنند. به این نوع سینه‌زنی که زنان با سرعت دست‌ها را بر سینه می‌زنند،

به گواهی متون معتبر تاریخی، اولین برگزارکنندگان مراسم سوگواری بر سیدالشهدا علیه‌السلام در تاریخ، زنان هستند که به ایراد خطبه و سرودن شعر، ذکر مصیبت و نقل حوادث کربلا می‌پرداخته‌اند، اما از دوران اموی به بعد موقعیت برجسته زن مسلمان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی رو به افول گذاشت. در ایران نیز تا اواخر دوران قاجار، روضه‌خوانی و مراسم عزاداری بیشتر به مردان اختصاص داشت و زنان در حاشیه تکیه‌ها و در مکانی جدای از مردان، فقط شنونده روضه‌ها بودند. با پیروزی انقلاب اسلامی و رونق مجالس عزای اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام، زنان نیز پیش از پیش به این مجالس راه یافتند اما عزاداری زنانه همچنان در بعضی نقاط در حالتی از در حاشیه‌بودگی قرار دارد. در میان این انفعال و تماشاگری اما، برخی مناطق هستند که زنانشان حضور فعال‌تری در سوگواری‌های محرم و صفر دارند؛ مناطقی که حتی برخی آیین‌هایشان کاملاً زنانه برگزار می‌شود و خبری از حضور مردان نیست. آیین‌هایی که حتی پا را از عزاداری‌ها و روضه‌های خانگی فراتر گذاشته‌اند و به خارج از



برپا می‌شود. مراسمی که برای عزاداری است و با تار و پود فرهنگ مردم گره خورده است. این آیین با نام «چاپینه» شناخته می‌شود و مخصوص زنان است. چاپینه را در چند روز از ماه محرم و برای چند تن از یاران امام حسین علیه‌السلام و خود ایشان برگزار می‌کنند. چاپینه قاسم، چاپینه حضرت علی‌اکبر، چاپینه حضرت عباس و چاپینه امام حسین علیهم‌السلام که هر یک آیین مخصوص خود را دارد. چاپینه قاسم علیه‌السلام از خاص‌ترین مراسماتی است که در این ایام برگزار می‌شود. در چاپینه قاسم، دختری جوان و مجرد لباسی سفید و رواندازی سبز به تن می‌کند. زنان شمع، نقل و نبات، حنا و عود با خود می‌آورند؛ سپس زنانی با عنوان «چاپینه‌خوان» وارد میدان می‌شوند و شروع به مداحی می‌کنند. در بین مراسم فردی یک کفن خونی با خود می‌آورد و از شهادت قاسم که داماد این مجلس است خبر می‌دهد. در این زمان همه چیز تغییر می‌کند و عروسی تبدیل به عزا می‌شود. بر سر عروس چادر سیاه می‌کشند و بر سر و روی خود می‌زنند. شمع

«رشک» گفته می‌شود. یکی دیگر از بخش‌های این مراسم خواندن «هوسه» است. هوسه یک چهاربیتی است که بیت آخر آن کوبنده‌تر و بلندتر خوانده می‌شود و زنان حاضر در مجلس آن را چند بار تکرار می‌کنند. هنگامی که به بیت آخر آن که «ردادیه» نام دارد می‌رسند، زنان در وسط مجلس در حالی که بر پیشانی خود می‌زنند به عزاداری می‌پردازند. روز پنجم محرم به بعد مراسم عزاداری زنان شکل دیگری به خود می‌گیرد. در پایان روضه، زنان ایستاده به عزاداری می‌پردازند. آنان دایره‌وار گرداگرد مجلس حلقه می‌زنند و ملایه در بالای مجلس به نوحه‌خوانی مشغول می‌شود و گاه ابیات را با سرعت می‌خواند و صدایش لحنی حماسی به خود می‌گیرد. کلمات، کوبنده و رسا ادا می‌شوند و به این شیوه «فزاعیه» می‌گویند. گاه نیز با آرامش روضه خوانده می‌شود که با غم و اندوه بسیار همراه است که به این شیوه «رجالیه» می‌گویند.

«ایلام»:

در ایلام یک مراسم بسیار خاص و منحصر به فرد



ها خاموش می‌شود و نوحه‌خوانی می‌کنند. آیین دیگری که در ایلام برگزار می‌شود «چمر» نام دارد. در این مراسم زنان ایلامی، در حالی که بر سر و روی خود می‌زنند آواهای مخصوص عزاداری را با صدای بلند می‌خوانند. سپس اسبی آراسته و مجهز به خنجر و تفنگ، به میدان آورده می‌شود. زنان پس از دیدن این اسب صدای خود را بالا می‌برند و عزاداری خود را با شدت بیشتری انجام می‌دهند.

«مناطق عرب‌نشین خوزستان»:

مراسم «عرس القاسم» یا «عروسی حضرت قاسم» در شب هشتم ماه محرم برگزار می‌شود و یکی از خانه‌های محله به صورت نذری، میزبانی این مراسم را بر عهده می‌گیرد. یک حجله نصب می‌شود و هنگام اجرای مراسم زن‌ها سینی‌های خود را در تاریکی مطلق که فقط با شمع‌های سینی روشن هستند به دور حجله می‌چرخانند و سایر زنان با سینه‌زنی و کل زدن آن‌ها را همراهی می‌کنند. رسم است که زنانی که باردار نمی‌شوند و دخترانی که می‌خواهند ازدواج کنند، برای لحظاتی در «کله» بنشینند تا به مرادشان برسند. زنان خوزستان در محرم در خانه‌های خود، مراسم خاصی مختص

روز هفتم می‌گیرند. عروس قاسم علیه‌السلام را آماده می‌کنند و دختران دم‌بخت، لباسی از تور سبز و روبندهای سفید و قرمز می‌پوشند. و به یاد نوعروس قاسم عزاداری می‌کنند. این مراسم چند نوحه‌خوان دارد که هریک با سبک‌های خود می‌خوانند و مراسم را با زدن به روی پاها آغاز می‌کنند. نوحه که خوانده می‌شود همه در جای خود نشسته و به روی پاهای خود می‌زنند و یاحسین علیه‌السلام یازینب سلام‌الله‌علیها می‌گویند. قسمتی دیگر از این مراسم با نوحه دیگری که از سوی نوحه خوان بعدی خوانده می‌شود، آغاز می‌شود. همه زن‌ها با چادر و عبایی که بر سردارند رو گرفته و با شنیدن ذکر مصیبت‌های حضرت زینب سلام‌الله‌علیها اشک می‌ریزند و همهمه «وا اماما» و «وا حسینا» سرمی‌دهند. در آخرین بخش عزاداری، همه ایستاده و دایره می‌بندند و به سینه و بازوهای خود می‌زنند. همچنین مراسمی با عنوان «وسط‌المیدان» دارند که دو نفری روبه‌روی هم قرار گرفته و روی پیشانی خود می‌زنند.

«زیلایی»:

«زیلایی» یک منطقه محروم در کهگیلویه و بویراحمد



اکتفا نمی‌کنند. در آیین دیگری که به «کتل» مشهور است، اسبی را به عنوان اسب حضرت امام حسین علیه‌السلام، زین و تزئین کرده و بین هیئت‌ها می‌گردانند و به رسم محلی شیون می‌کنند. آنها همچنین حجله‌ای برای حضرت قاسم علیه‌السلام و گهواره‌ای برای حضرت علی‌اصغر علیه‌السلام درست می‌کنند و به آن چشم زخم، آویزان می‌کنند و رویش را پارچه سبز می‌کشند و دور آن عزاداری می‌کنند. این تنوع رسوم عزاداری زنان در مناطق مختلف، علاوه‌بر اینکه جزئی از فرهنگ ما شناخته می‌شود و باید برای حفظ آنها تلاش کرد، نشانگر اهمیت عزاداری بر سید و سالار شهیدان علیه‌السلام برای زنان این دیار است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت در ایام محرم، گوشه‌گوشه این سرزمین، مادری به سوگ حسین علیه‌السلام است و این غم فراگیر، این «مرثیه موروث»، سینه‌به‌سینه از مادران به دختران خود منتقل می‌شود؛ چراکه این غم، غمی مادرانه است؛ غمی خواهرانه است؛ و بانی این عزا مادر او، فاطمه است، و سلام‌الله‌علیها.

است که همیشه با محرومیت خود سرتیتر خبرها بوده. این منطقه آیین‌ها و ظرفیت‌های خاص خود را دارد. برخلاف اغلب شهرها و روستاها که سوگواری و تعزیه‌خوانی‌های محرم را به‌صورت مردانه برگزار می‌کنند و زنان نقش تماشاگر را دارند، زنان زیلایی عزاداری برای امام حسین علیه‌السلام را از همان شب اول محرم آغاز می‌کنند؛ به‌نشان عزا لباس‌های تیره و عموماً به رنگ سبز و آبی می‌پوشند، در یک دایره قرار می‌گیرند و بعد از آن، یک زن مسن در وسط دایره قرار می‌گیرد و با خواندن شروه‌های پرسوزوگداز به نشانه عزا گوشه‌های چادر خود را می‌گیرد و به شانه‌های خود می‌اندازند و زنان درون دایره با حرکت «سر خوان» یا همان روضه‌خوان و شیون‌کنان به‌دنبال او «شروه» می‌خوانند. آیین عزاداری زنان «زیلایی» به‌نام «هوی‌هوی» شناخته می‌شود و بعد از اجرا، آنها مشغول تهیه نذری می‌شوند تا بعد از بازگشت عزاداران از گلزار شهدای روستا از آنها با غذای نذری پذیرایی کنند. زنان «زیلایی» نقش پررنگی در عزاداری دارند و فقط به «هوی‌هوی»

هم قدم با زینب

◀ نرجس عباسیان

بیولوژی و کنترل ناقلین بیماری ها

یکی از زیبایی‌های همین حرکت مردمی این است که در آن هم مثل حرکت کاروان اسراء، زنان را می‌بینیم که با کودکان خردسالشان به یاد بانوی جریان‌ساز کربلا، حضرت زینب کبری سلام‌الله‌علیها، گام برمی‌دارند و ایشان را الگویی برای خود و خانواده خود می‌دانند و به راستی که این شیرزنان و مادران پاک‌سرشت و ولایی هستند که نسل آینده مردان بزرگ و حسینی را در دامان پر از مهر خود با ولایت علی و اولادش علیهم‌السلام می‌پروراندند. حضور زنان در راهپیمایی اربعین هر ساله پرشورتر از سال قبل دیده می‌شود. همراهی با همسر و ترغیب فرزندان برای حضور در مراسم اربعین حسینی، نقش مهم خانواده‌محوری است که زنان آن را به خوبی ایفا می‌کنند. سهم بانوان در این حماسه بزرگ دوچندان است، به این معنا که تعدادی از مسافران این سفر پرعشق به عنوان زائر و بعضی هم به عنوان خادم الزائرین و میزبانان زائرین در مراسم حضور دارند. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که ذاتاً از وظایف زنان و بالاخص مادران است و باید در این مسیر بیش از پیش به آن اهتمام ورزند، موضوع پیام‌رسانی است، همان‌گونه

«وَالصَّافَاتِ صَفًّا»

«فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا»

«فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا»

سوگند به آنان که برای انجام فرمان خدا صف بسته‌اند!

سوگند به آنان که می‌رانند!

سوگند به آنان که ذکر خدا را می‌خوانند!

اربعین... اربعین... اربعین...

کلمه‌ای که بارها و بارها در ذهنم تکرار می‌شود و با هر بار تکرارش تصویری مقابل چشمانم نقش می‌بندد، هر دفعه واضح‌تر و شفاف‌تر، تصویری از بانوانی که در کاروان امام بودند و به اسارت درآمدند، آنان که در طول چهل روز پس از عاشورا پیاده از کوفه تا دمشق و از دمشق تا کربلا حرکت کردند.

از خودم می‌پرسم که چقدر شباهت است میان آن حرکت کودکان و زنان اسیر و پیاده‌روی امروز اربعین؟ آیا سختی و رنج‌های آن زمان قابل قیاس است با این حرکت عاشقانه مردمی؟ الحق که این کجا و آن کجا؛ ولی به راستی که در هر دو حرکت چیزی دیده نمی‌شود «إلا جَمِيلًا»...



انسان‌هایی را می‌بینند که از هرآنچه دارند برای محبت امام حسین علیه‌السلام می‌گذرند و تمام مال خود را در این راه انفاق می‌کنند. از دیگر نکات مثبت سفر اربعین این است که در این پیاده‌روی معمولاً نگاه نامناسب بین محرم و نامحرم وجود ندارد زیرا صلابت دینی چنان در روابط زن و مرد حاکم است که هیچ کس به بانوان نگاه غیرانسانی ندارد و در مسیر اربعین از نجف تا کربلا تمامی نگاه‌ها به سمت و سوی امام حسین علیه‌السلام است و آیا این نکته را هرگز می‌توان در مراسمات دیگر جهان با این حجم از جمعیت شاهد بود؟!

در آخر شایان ذکر است که اربعین یک پیاده‌روی ساده نیست بلکه تداعی عظمت پیاده‌روی حضرت زینب سلام‌الله‌علیهاست که با حضور در جریان کربلا، پرده ظلم یزیدیان را پاره و آن‌ها را رسوای عالم کرد. شرکت زنان امروز در پیاده‌روی اربعین با پیروی از حضرت زینب سلام‌الله‌علیها نیز نمونه‌ای از مبارزه با ظلم و استکبار جهانی است و از دل همین قیام زینبی برمی‌خیزد.

که تبیین اهداف و چرایی نهضت عاشورا به تبعیت از حضرت زینب سلام‌الله‌علیهاست و اگر این بانوی رشیده نبود، کربلا در کربلا می‌ماند. تبلیغ و تبیین اهداف قیام حسینی و پیام‌رسانی آن به سایر زنان جامعه جهانی که ممکن است از این موضوع مهم اطلاع چندانی نداشته باشند، توسط زنان باید بسیار جدی گرفته شود که از بهترین راه‌های دست یافتن به این مهم، نفس حضور در این راهپیمایی برای برگزاری هر چه پرشورتر آن است و این همراهی در ایجاد وحدت و همدلی، صلح جهانی و تمدن‌سازی اسلامی برای زمینه‌سازی حکومت مهدوی نیز موثر است. نکته مثبت دیگر از حضور زنان در راهپیمایی اربعین، فراهم آمدن حضور کودکان در این راه است. این راهپیمایی در نزدیک شدن افکار، ارتباط و همدلی در بین اعضای خانواده تاثیر بسیار زیادی دارد. همچنین باعث رشد اجتماعی و دینی نوجوانان و جوانان می‌شود زیرا تمامی جلوه‌های ایشار و از خودگذشتگی را آن‌جا مشاهده می‌کنند. فرزندان در این مسیر رفتار اجتماعی و تعامل بیشتر با دیگران همراه با مهربانی را فرا می‌گیرند. نوجوانان در این سفر

تربیت یافتگان سیره نبوی

به بهانه ارتحال پیامبری که زمینه‌ساز همه این دلاوری‌های زنانه بود.

← زهرا مهربخش

بیولوژی و کنترل ناقلین بیماری‌ها

و همچنین مرد نسبت به زن از جایگاه و ارزش ویژه‌تری برخوردار بود و ارزش وجودی زنان در حد اداره امور خانه و خانه‌داری بود. عموم مردم عرب، داشتن فرزند دختر را ننگ و عار می‌دانستند به‌گونه‌ای که وقتی به آن‌ها خبر تولد نوزاد دختر را می‌دادند به شدت خشمگین می‌شدند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٌ»؛ بدین معنی که وقتی به کسی خبر می‌دادند همسرش دختر به دنیا آورده از شدت خشم صورتش سیاه می‌شد.

زن در دوره جاهلیت به عنوان اموال مرد شناخته می‌شد و گاه حتی پس از مرگ مرد در کنار سایر اموال و دارایی‌ها به‌عنوان ارثیه محسوب می‌شد.

در این برهه تاریک تاریخ دوران جاهلیت بود که پیامبر همچون خورشید، نور تازه‌ای به زندگی مردم جاهل و به ویژه زندگی زنان تابید.

در نقطه‌ای از تاریخ که زنان هویتی از خود نداشتند و حتی در برخی تمدن‌ها، انسان بودن زن مورد تردید بود و جهان با دید حقارت به آن‌ها می‌نگریست، پیامبر اسلام حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله به پیامبری مبعوث شد و در سایه کرامت‌بخشی به زن، عادت‌ها و سنن جاهلی و نیز رفتارهای غیرانسانی را با زنان تقبیح کرد، معیارهای ارزشی را در جامعه تغییر داد و هویت انسانی زن را به همه شناساند.

پیش از این زن دارای هیچگونه ارزش و حقوقی اعم از حقوق انسانی یا سیاسی و اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نبود. اگر حقی از او پایمال می‌شد، قدرت قیام کردن و دفاع از حقوق خود را نداشت. تا جایی که در یونان باستان قبل از ظهور اسلام، زن را موجودی پاک‌نشدنی و حتی زاده شیطان می‌دانستند و در بسیاری از اوقات چون حیوانات با زنان برخورد می‌کردند.

در آن زمان، بین مردم عرب نیز فرزند پسر



ارزشی برای زن وجود نداشت، زن به عنوان یکی از دو بال انسانیت تلقی شد و حقوق وی به او بازگردانده شد.

به تشویق پیامبر صلی الله علیه و آله، زنان در عرصه‌های اجتماعی همچون مسائل سیاسی، حضور داشتند و از آن افکار جاهلیت که توانایی و قدرت زن را جز در انجام امور روزمره خانه نمی‌دیدند دور شدند.

در جامعه‌ای که پیش از این زنان نه تنها قدرت تصمیم‌گیری و حق رأی در کوچک‌ترین مسائل خانه را نداشتند بلکه مالک خود و تصمیم‌گیرنده زندگی خود نبودند، زنان طبق دستور قرآن با پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت نمودند و بر سر اصول و معیارهایی پیمان بستند. پس از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، زنان در نهضت بزرگ اجتماعی-سیاسی هجرت نیز شرکت کردند و مهاجرت آنان چون مردان پذیرفته شد. در زمان رسول اکرم زنان چنان ارزشی در آن جامعه یافتند که برخی از آنان از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و جزء راویان حدیث به شمار آمدند. تمام این ارزش‌ها و حقوق بسیار دیگر، با بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله در آن جامعه

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با گرمی داشتن زنان و به ویژه تکریم دخترش فاطمه سلام الله علیها، نقش مؤثری در باطل کردن سنت‌های خرافی جاهلیت داشت. وی چنان به احترام دخترش زهرا سلام الله علیها برمی‌خاست که مردم تعجب می‌کردند، دست زهرا سلام الله علیها را می‌بوسید و به او احترام می‌گذاشت. همچنین به کسانی که دختردار شدن بر ایشان ناخوشایند بود می‌فرمود: «دختران خود را ناپسند بدانید، به درستی که دختران، مونس انسان و گران‌بهایند.»

وقتی به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر دادند که خداوند دختری به او عطا کرده، نگاه حضرت به صورت اصحابش افتاد، آثار ناخشنودی را در چهره آنان ملاحظه کرد؛ سپس فرمود: «این چه حالتی است که در شما می‌بینم؟ خداوند گلی به من داده، آن را می‌بویم و روزیش با خداست.»

پیامبر اکرم با این رفتار و گفتار خود، تحول بزرگی در هویت و ارزش زنان در جامعه آن روز ایجاد کرد.

پس از بعثت پیامبر اسلام در آن جامعه‌ای که

مخبر

جاهلیت برای زنان به رسمیت شناخته شد و این پیامبر بزرگ اسلام بود که اینگونه مقام پایمال شده و به فرش افکنده شده زن را به عرش رساند.

پیامبر صلی الله علیه و آله چنان احترام به زن و ارزش والای زن را در جامعه آن روز نهادینه کرد که پس از رحلت ایشان نیز همچنان زنان همانند مردان در فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی مشارکت داشتند و در حاشیه و به دور از اجتماع نبودند و به عنوان فردی بی‌ارزش و فاقد هویت در جامعه شناخته نمی‌شدند.

ایشان با سخنان خود ذهن پدران را نیز روشنی بخشیدند که دیگر نه تنها داشتن فرزند دختر را ننگ نمی‌دانستند بلکه دخترانشان را به عنوان نعمتی از سوی پروردگار می‌دانستند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به پدران می‌فرمود: «هر که دختری داشته باشد و خوب تربیتش کند و او را به خوبی دانش بیاموزد و از نعمت‌هایی که خداوند به او عطا کرده به وفور بهره‌مندش کند، آن دختر، سپر و پوشش پدر در برابر آتش دوزخ خواهد بود.» و اینگونه مهر دختران را به دل پدرانی که تنها به داشتن فرزند پسر افتخار می‌کردند گره می‌زد.

نقش بزرگ حضرت زهرا سلام الله علیها در تداوم ولایت و نقش غیرقابل تصور در ذهن بشر امروزی از حضرت زینب سلام الله علیها در تحقق هدف امام حسین علیه السلام از قیام عاشورا، نمونه‌های بارز تربیت دختران حماسه‌آفرین در سیره نبوی می‌باشد. نقش این دو بانو چنان در تاریخ اسلام پررنگ است که اسلام را با فاطمه سلام الله علیها معنا می‌کنند و کربلا را با زینب فاطمه.

هویت و جایگاه والایی که زنان و دختران مسلمان امروز نیز در جای‌جای این جهان دارند از دید وسیع و روشنی‌بخش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نشأت می‌گیرد که در جامعه جاهلیت از هویت زن بر مردم آن زمان شناساند. این متن، حسن ختام همه متن‌های نشریه؛ چراکه اگر پیامبری از جنس نور مبعوث نشده بود، هرگز چنین زنانی پا به عرصه دلاوری و رشادت نمی‌نهادند. او آمد و دنیا را تکان داد و سلاله پاکی از نسل دخترش برای جهان به جای گذاشت؛ علمی که به دست دخترش زهرا سپرد و زهرا آن را در دستان زینب نهاد؛ «علمی که تا به قیامت بر زمین نخواهد ماند...»



غم غم ز بعد تو سببناں مرگم ز نینب (س) است